

نگار نیک اندام مقدم

عصر موسیقی

سیاہ

جز، بلوز و ...

کتابخانه کی نوری

جز: مکتب شیکاگو

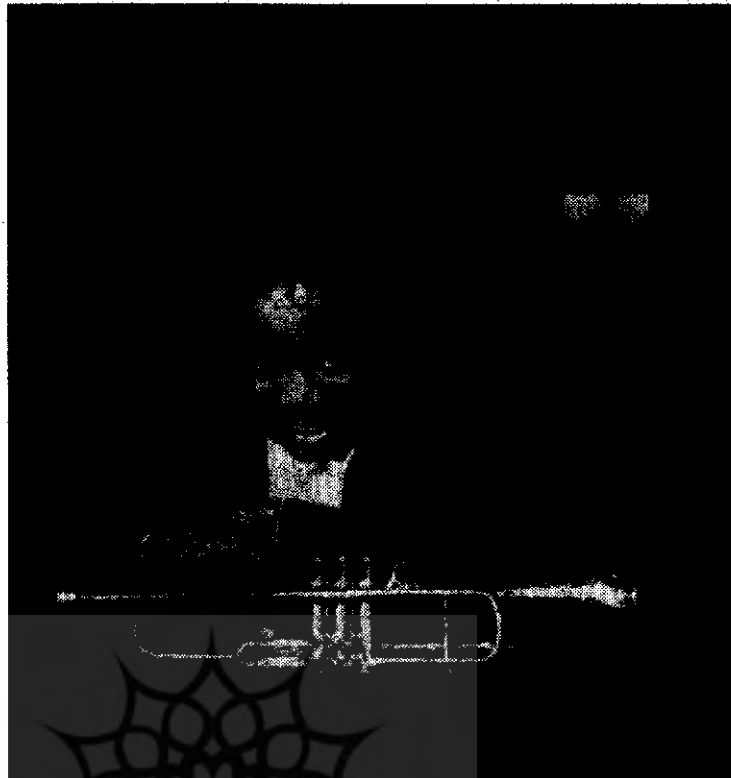
استیوارت نیکولسون

کینگ لوئیس، جلی رول و لویی آرمسترانگ از موزیسینهای اصلی نیواورلئان بودند که به شیکاگو رفتند. پیش از شکل گیری موسیقی جاز و اینکه حتی نامی خاص داشته باشد، موزیسینها، نیواورلئان را ترک می کردند. گزارشاتی از موزیسینهای کریول وجود دارد که از رسیدن آنها به ساحل غربی تا سال ۱۹۰۷، خبر می دهد. گروههای جاز بسیاری جزو جاذبه های مورد علاقه مردم درآمدند. مردم از تماشاخانه های به تماشاخانه دیگر می رفتند. در واقع در سال ۱۹۱۶ گروه جاز پرشورترین نمایشها بود. در این زمان جمعیت قابل ملاحظه ای از ناحیه روستایی جنوب به ناحیه صنعتی رو به گسترش شمال تغییر مکان کرد. شیکاگو شاهد هجوم بزرگ کارگران سیاهپوست بود و تغییر مکان جاز از نیواورلئان در این محیط، وسیعتر دیده می شود. ژوزف کینگ اولیور، ترومپتیست در ۱۹۱۸ نیواورلئان را به مقصد شیکاگو ترک کرد و در ۱۹۲۲ گروه جاز کریول او در باغهای لینکلن آغاز به کار کرد. به دلایل نامعلومی او تصمیم گرفت کرنٹ دومنی به گروه موسیقی خود اضافه کند و سوراغ لویی آرمسترانگ رفت. در ۱۹۲۳ این گروه تعدادی از مهمترین

نویسندگانی جزئی را ضبط کرد. کن بریز در کتاب جاز می گوید: «آنها شادی و هیجان، پلی فونی غنی و تمپوی مهیج اما آرامش بخشی را که مشخصه بهترین موسیقی نیواورلئان است ایجاد کردند.» در ۱۹۲۳ یکی دیگر از موزیسینهای اصلی نیواورلئان به شیکاگو رفت: جلی رول مورتون، پیانیست و آهنگساز، او فاصله دوران موسیقی ضربی سیاهپوستان و جاز را کم کرد. آهنگهای ولورین بلوز و شادیهای میلن برگ که از مشخصه کارهای او بود به سرعت بخشی از آثار جاز اولیه شدند. اما مهمتر از آن، بین سالهای ۱۹۲۶ و ۱۹۲۷ او ۱۷ قطعه موسیقی در شیکاگو ضبط کرد. این قطعات توسط گروه او به نام: فلفلهای فرمز داغ اجرا شد گروهی که راه رسیدن را به موسیقی تند نشان داد، و این قطعات به عنوان بهترین اجراهای سبک نیواورلئان شناخته شده اند. آثاری که ترکیب دقیق گروه نوازی در آنها مسیر جاز را نشان داد. همانطور که هنر مورتون، گروه نوازی جاز را نشان داد، مجموعه کارهایی از آثار لویی آرمسترانگ در سالهای ۱۹۲۵ تا ۱۹۲۹ نقش تک نواز را در موسیقی جاز معین کرد. لویی آرمسترانگ پس از رفتن به شیکاگو، مدت

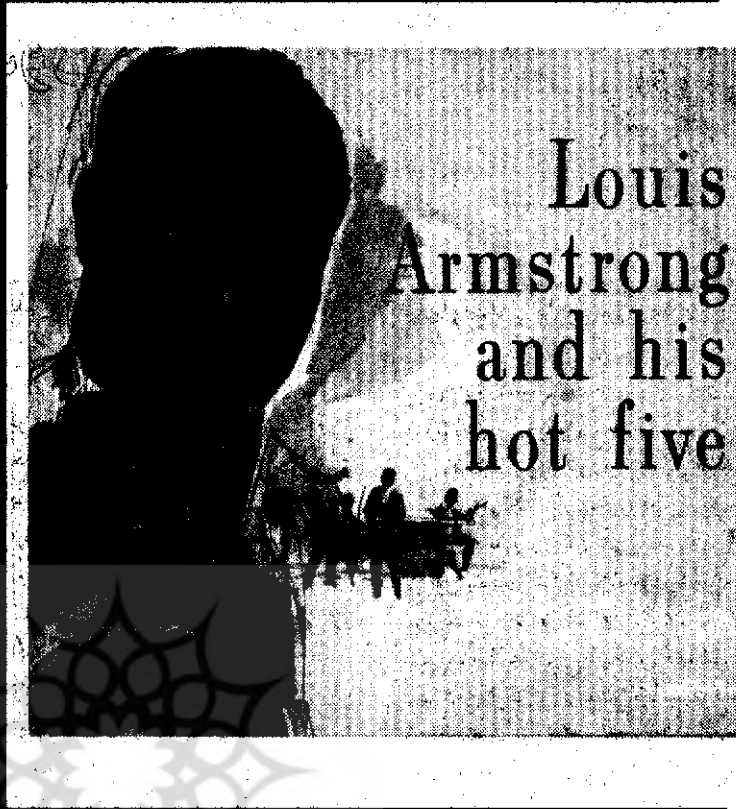
کوتاهی به نیویورک رفت تا با آرکستر فلیچر هنترسون کار کند و شر یترگشت. به شیکاگو در پاییز ۱۹۲۵ کار خود را در کافه «روباها» با گروهی که توسط همسرش و در واقع پیانیستش، لیلیان، پایه گذاری شده بود، آغاز کرد. سپس در ۱۲ نوامبر کار ضبط سری گروه نوازیهای کوچکی را آغاز کرد که مجموعاً به نام پنج نفره داغ و هفت نفره داغ شناخته شده اند. تکنیک آرمسترانگ و تخیل معمارگونه او فراهم آورنده اندیشه ای بود که در دهه های بعد جاز را پیش برد: تکنیک نوازندگی او بر همه نوازندگان اثر گذاشت. شنوندگان سفیدپوست هم به اندازه شنوندگان سیاهپوست از نعمت کنجینه با ارزش جاز که به شیکاگو آمده بودند لذت می بردند. در بین جماعات شنونده جاز، گروهی از جوانترها بودند که وقتی کینگ اولیور و لویی آرمسترانگ را در باغهای لینکلن تماشا می کردند، به شدت مجذوب آنها شدند و بعضی از این افراد بعدها خود به چهره هایی تأثیرگذار در جاز بدل شدند. کسانی مانند: جیمی میگ پارتلتند (در مونتگومری)، آ. ا. آدامز (پابلو) و بنی گودمن (نوازنده کلارینت) □

هر نوع مکان تفریحی که مردم جویای لذت را به طرف خودش جذب می‌کرد. ارکسترهای جاز در کانزاس از حداقل ده نفر تشکیل می‌شدند و اجرای صمیمانه‌ای هم داشتند. اینکه از ریتمهای مشخص دقیقی هم استفاده می‌کردند. در سال ۱۹۳۰ این سبک به شیوه جدیدی اجرا شد؛ اینطور که یک تکنواز گوشه‌ای از یک عبارت را در جواب ارکستر تکرار می‌کرد. بنیانگذاری این سبک « کانت بیسی Count Basie » و ارکسترش بود. این سبک جز کانزاس بود. نیویورک بزرگترین محله سیاهپوست نشین تمام دنیا است ولی سطح موسیقی آنجا خیلی پایینتر از شیکاگو و نیوارلثان بود. شاید این به نائقه قشر مرفه نیویورک برمی‌گشت چون آنها ترجیح می‌دادند بیننده اجراهایی باشند که از قبل تنظیم می‌شد و صداهای دلچسب و مانوس تولید می‌کرد. تاثیر زیادی روی کسب و کار مراکز فرهنگی تفریحی گذاشت و بیشتر از این ضربه‌های زیادی را به موسیقیدانان اصیل جز وارد کرد؛ چون حالا مردم ترجیح می‌دادند موسیقی ملایم و شیرین گوش بدهند که تاثیر آرام بخشی رویشان داشته باشد. مثلاً یک موسیقی شاد و پر جنب و جوشی مثل جز. بنی گودمن Goodman Benny بوجود آمد. سوینگ برای رقص در نظر گرفته شده بود ولی به خاطر آزادی کامل در بداهه نوازی از موسیقی « سویت Sweet » که در آن تنظیمها از قبل نوشته می‌شدند جدا می‌شد. سوینگ نه تنها در امریکا بلکه در همه دنیا بسیار مورد توجه قرار گرفت. یکی از نتیجه‌های کار بنی گودمن همکاری مشترک موسیقیدانان سیاه و سفید با همدیگر بود که باعث بوجود آمدن ارکسترهای عالی و درجه یک شد. ای قبلی و فراموش شده حتی تا دوره نیوارلثان برگردند. مثلاً « باب کرازی Bob Crosby » سعی داشت خلاقیتهایی در سبک دیکسی لند بوجود بیاورد و از طرفی گروهی مثل « لووالترز



قول خودشان آنها چیزی را اجرا می‌کردند که شیکاگو هیچ جای دیگر نمی‌توانست بشنود. ی بدون نگاه کردن به همدیگر اینقدر با هم هماهنگ بودند که بدون کوچکترین اشتباهی چنان استادانه بطور مقطعی آهنگ را قطع می‌کردند که نفس همه در سینه حبس می‌شد. اینقدر بداهه نوازی آنها بی‌نظیر بود که واقعا هیچ دو نوازنده دیگر در هیچ جای دیگر نمی‌توانست اینطور باشد. بعدها لوئی آرمسترانگ از کینگ اولیور جدا شد و گروههای « Hot Five » و « Hot Seven » را بوجود آورد که بعد از گروه کینگ اولیور در جای دوم جز شیکاگو قرار گرفت. سبک شیکاگو هم در اصل پیرو همان قواعد جز نیوارلثان بود با یک سری تفاوت‌های جزئی؛ مثلاً ساکسیفون جای ترومبون را گرفت و بیانو به بخش ریتم ارکستر اضافه شد. شهر کانزاس هم منطقه‌ای شبیه به استوری ویل داشت؛ سالنهای شبانه زیاد، رستورانهای کوچک، وجود سالنهای رقص در هر خیابانی و

یک نوازنده نابغه کُرنت بود که بوسیله کینگ اولیور معرفی شد. آرمسترانگ خیلی سریع حرفه‌ای و یکی از بهترین موسیقیدانهای جز دوره خودش و بدون شک یکی از بزرگترین ستاره‌های موسیقی جهان بود. گروه رگتایم « Jack Laine » که به عنوان « پدر موسیقی جز سفید » معروف است، سبکی تحت عنوان « دیکسی لند Dixy Land » را پایه‌گذاری کرد. در واقع اصطلاح دیکسی لند عموماً به اجراهایی گفته می‌شود که در سبک نیوارلثان هستند ولی بوسیله موسیقیدانان سفیدپوست اجرا می‌شوند. جلی رول مورتون و تونی چکسون از اوایل ۱۹۱۰ در آنجا فعالیت می‌کردند و جز در آستانه اولین دوران درخشان خود بود تا اینکه کینگ اولیور از نیوارلثان به شیکاگو آمد و لوئی آرمسترانگ را به عنوان نوازنده کُرنت دوم وارد گروه خودش کرد و واقعا که چه غوغایی به پا کرد! مردم از سراسر امریکا برای شنیدن اجراهای آنها به شیکاگو می‌آمدند. به



Journal of the
 Faculty of Arts
 Shiraz University
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 فصلنامه علمی علوم انسانی

Volume 10
 Number 1
 Spring 2018
 ISSN: 2788-4230
 P-ISSN: 2788-4230
 E-ISSN: 2788-4230

Editor: Amirhossein Zargar
 Editor-in-Chief: Amirhossein Zargar

